

راه اکتبر

در اکتبر ۱۹۱۷ طبقه کارگر روسیه دست در دست دهقان تپه دست رسالت تاریخی خود را با سرکندگی و افتخار انجام داد و برای نخستین بار در تاریخ بشریت قدرت سیاسی را از چنگ بورژوازی و مالکین ثروت ابد آورده و در اختیار خود گرفت طبقه کارگر بر افتخار روسیه به انقلاب سوسیالیستی که مارکس و انگلس و لنین آنرا پیش بینی کرده بودند تحقق بخشید . پیروز انقلاب خلق قهرمان شوروی تحت رهبری طبقه کارگر ، پس از غلبه بر دشواریها و محرومیت ها و غلبه بر دشمنان خارجی و داخلی سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا را تقویت کرد و استحکام بخشید . جامعه سوسیالیستی پدید آورد که در آن بهره کشی انسان از انسان منسوخ گردید .

پیدایش کشور اتحاد شوروی که مولود مبارزه طبقه کارگر روسیه و طبقه کارگر جهان بود ، کار مبارزه طبقه کارگر را در جهان تسهیل کرده طبقه کارگر کُز میهن سوسیالیستی خویش نیرومیکرد و از آن در برابر دشمنان دفاع و پشتیبانی میکرد . اتحاد شوروی بنیانه پایگاه انقلاب جهانی و طبقه حویش را در قبال پرولتاریا و خلقهای اسیر با سرکندگی انجام داد . پرولتاریا و خلقهای اسیر نیز در انجام وظیفه انترناسیونالیستی در قبال اتحاد شوروی عفت نورزیدند .

با پیدایش ریزش سوسیالیسم ، حزب پر افتخار لنین و استالین از صورت حزب طبقه کارگر بدر آمد . مشی و سیاست حزب و دولت شوروی از ریشه در کونین گردید و در نتیجه طی مدت کوتاهی ثمرات کوششهای چند ده ساله خلق شوروی و طبقه کارگر شوروی بر باد رفت . بدون شک طبقه کارگر و خلق شوروی بار دیگر به انقلاب بر خواهد حاست و این بار قدرت سیاسی را از چنگ بورژوازی و بوروکراتیک کونین بیرون خواهد آورد و با برگشتن تجربه انقلاب فرهنگی پرولتاریائی چین ، راه را برای پیشرفت بسوی کمونیسم هموار خواهد ساخت .

راه اکتبر راه انقلاب خلق هاست راهی است که با پیودن آن پرولتاریا و نیروهای انقلابی قدرت سیاسی را تسخیر میکنند خلق چین در زیر رهبری حزب کمونیست و آموزگار کبیر مائوتسه در راه اکتبر را در پیش گرفت و به پیروی تاریخی عظیمی نائل آمد . " خلق چین همیشه انقلاب چین را ادامه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر دانسته و بدان بسیار مفتخر است " (مائوتسه دون) خلق آلبانی با پیروی از راه اکتبر بیک جمهوری سوسیالیستی شگرفان به مشرف سوسیالیسم در اروپا تبدیل شده است . ویت نام قهرمان هم اکنون با گامیابی رهسپار راه اکتبر است ، پرولتاریا و همه خلق های انقلابی جهان در راه اکتبر روانند .

راه اکتبر سرشار از آموزش انقلابی است . بسوی مارکسیست - لنینیست های ایرانی که کار انقلاب را بر پایه پیوی آغاز میکنند یاد آوری درسهایی از انقلاب کبیر بسیار آموزنده است .

۱- نخستین آموزش انقلاب اکتبر اینست که مبارزه طبقه کارگر و متحدینش علیه امپریالیسم و ارتجاع بدون وجود حزب سیاسی این طبقه ، حزبی انقلابی که به تئوری انقلابی مجهز باشد ممکن نیست . لنین از همان سالهای آخر قرن نوزدهم بر آن بود که به سوسیال دموکراتی که از اندیشه ایجاد حزبی انقلابی طبقه کارگر بمنظور تصرف قدرت سیاسی ، دوری گزینند در واقع از سوسیال دموکراسی انقلابی دوری جسته است . از دیدگاه لنین در دوران انقلاب پرولتاریائی ، دوران تدارک مستقیم قوایری سرنگون ساختن امپریالیسم و تصرف حکومت . . . " تأسیس حزب مبارزه و حزب انقلابی " ضروری است .

بقیة صفحه ۲

از سخنرانی آمورنده رفیق انور خوجه

بخشی از سخنرانی رفیق انور خوجه که در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۸ بمناسبت نوزدهمین سالگرد تأسیس جمهوری توده های چین ایراد شده است .

... اینک سیستم امپریالیستی و ریزش سوسیالیسم معاصر دستخوش بحران وخیم سیاسی و اقتصادی است که ریزش عمیق تر میشود این بحران نتیجه جنبش انقلابی خلق است ، نتیجه کسترش مبارزه خلق هاست بر ضد ستم و استثمار بورژوازی و بر ضد استثمار کهنه و نو . سیاست تجاوز و غارتگری که امپریالیسم آمریکائیکه قیام میکند ، سیاست تفوق جوئی و شوینیسم که ریزش سوسیالیستی در پیش دارند ، سازش شوروی و آمریکا که بمنظور تقسیم مناطق نفوذ و بخاطر سیادت این دو دولت بزرگ بر جهان صورت می گیرد و روز بروز فاش تر و گستاخ تر میگردد در همه جا مقاومت جودانه توده های زحمتکش و خلق های انقلابی را برانگیخته است . تومسان پیگار انقلابی با امپریالیسم و ریزش سوسیالیسم در همه قاره ها بر پا است . علی رعم کوششهای بیجودی که بورژوازی و ریزش سوسیالیسم در راه شویب ساختن از هان مردان و زنان میزدول میارزند و وسائل بسیار بیول های گزاف بکار میبرند ، افکار مربوط به انقلاب و جنبش رهایی بخش روز بروز بیشتر خلق ها و انقلابیون کشورهای مختلف را فرامیگیرد . . .

در عرض سال جاری ، جنبش های دانشجویی پر دامنه ای در کشورهای مختلف سرمایه داری و ریزش سوسیالیستی روی داد . ایسن جنبش ها که مورد پشتیبانی نیرومند کارگران واقع شد در همه جا بنیاد قدرت سیاسی و اقتصادی بورژوازی را بلرزده در آورد . ایسن آتش نوین انقلاب را نمیتوان باسانی فرو نشانید زیرا که این آتش را وضع طاقت فرسای کارگران که در معرض ستم و استثمار سرمایه داری هستند و درونمای آینده نسل های جوان که بدست بورژوازی سدود شده بر فروخته است . جنبش دانشجویان و جوانان نیروی انقلابی عظیمی است که هنوز تمام عظمت خود را نشان نداده است . معدنک بورژوازی با هزار وسیله بیارزما آن پر حاسته و ریزش سوسیالیسم ها از باخلال در آن برداخته دانشجویان و طبقه کارگر در طی مبارزات خویش تجارب عظیمی بدست آورده اند . آگاهی طبقاتی خود را بالا برده و دشمنان خود را بهتر شناخته اند . جنبش دانشجویان پیوسته رشد خواهد یافت و خواهد آموخت که چگونه بهتر تمرکز شود و چگونه بهتر سازمان یابد . جنبش مذکور سریع تر از سایر جنبش های اپورتونیست ها ، ریزش سوسیالیستی ها و غیره رهایی خواهد یافت و بهتر با سلی حورشان انقلاب پرولتاریائی خواهد امیخت . نهضت دانشجویی نمیتواند به آرامان خود تحقق بخشند مگر آنگاه که بسا طبقه کارگر پیوند یابد و افکار پیروز مارکسیسم - لنینیسم و تئوری علمی انقلاب پرولتاریائی در قلب و سز جوانان جای گیرد . دانشجویان و جوانان سراسر جهان در پی کار با ستم سیاسی و اجحافات اجتماعی باید از جوانان دلیر کاردار سرخ چین تولاگ سر مشق گیرند که تحت رهبری شجر مائوتسه دون ، این مارکسیست - لنینیست کبیر و بهمه راهی و تحت رهبری طبقه کارگر به برانگشتن قطعی داور دسته ریزش سوسیالیستی ضد انقلابی خروشچاف چین نائل آمده اند .

امپریالیست های آمریکائی و ریزش سوسیالیستی های شوروی که برابر نیرو انقلابی توده ها سراسیمه شده و از بحران عمومی سیستم خویش وحشم آمده اند ، به ماجراجوئی های خطرناکی دست زده اند و بنجاوار آشکار بر ضد خلق ها مبارزت میجوینند تا آزادی و استقلال ملی آنها را سلب کنند ، آنها را منقاد و اسیر گردانند . اتحاد ضد انقلابی بد نام شوروی و آمریکا بر سر تقسیم مناطق نفوذ و بخاطر سیادت آنها بر جهان از هم اکنون وارد عمل شده است . در هنگامی که آمریکا بقصد کسترش دادن آتش تجاوز بسراسر آسیایه نك و حشمانه در ویتنام مشغول است دار و دسته متدبیرترتند - ناسیکین با ایجاد تانوم د بکر تجاوز در مرز اروپا دست زده و خلق های این قاره را با تهدید و شانناز و بربرو ساخته است . تجاوز بزرگ اسلاوائی نتیجه جنایت آمیز استراتژی گلی ضد انقلابی شوروی ، و امپریالیست بر ضد آزادی خلق ها بمنظور مداخله در امور داخلی سایر ممالک و تجاوز بر آنها . تجاوز مسلحانه ریزش سوسیالیستی شوروی بر چنک اسلاواکی ایسن حیثیت تلخ را بپاره نماید میکند . اینک اتحاد شوروی بصورت دولتی امپریالیستی در آمده است که سیاست " روس بزرگ " ،

سیاست ریزش سوسیالیستی و شوینیستی را آشکارا و به خشن ترین جزوی بکار می بندد . این واقعه نشان میدهد که سیاست رهبران ریزش سوسیالیستی شوروی سیاستی است از نوع سیاست امپریالیستی ، و قدرت شوروی در دست آنها به قدرتی از نوع بورژوازی تبدیل شده که سرکوب کننده خلق شوروی و تهدید کننده سایر خلق هاست . اتحاد شوروی بصورت مرکزی ضد انقلابی در آمده که بر علیه آزاد و استقلال خلق های جهان متوجه است . . .

طبیعت انحطاط بعدی ریزش سوسیالیسم شوروی در جهت تقویت بزرگ خواهد بود تا آنکه از ره خویش را بزور اسلحه بدست یاران خود کها و ایدئولوژی واحد دارند ولی از فرمان او سر می پیچند تحمیل کند . شمارها و جملهدار زبهای شبه مارکسیستی که در این سالهای اخیر پشت سر هم بر زبان رانده میشود دیکر نیویا از اختلافات عظیم ریزش سوسیالیستی ها با یکدیگر بگاهد . اختلافات مذکور پوشندت خواهد رفت و قادر به پوشاندن آنها نخواهند بود . عوام فریبی ریزش سوسیالیستی در زمینه سیاست ایدئولوژی ، در زمینه روابط اقتصادی و فرهنگی و در زمینه اتحاد نظامی تروی نمی بخشد . دندان این کرک را شمرده اند ریزش سوسیالیسم شکرور به مرحله میلیتاریسم فاشیستی رسیده است . اینک ریزش سوسیالیستی شوروی برای حل تضادها بتهدید تجاوز مسلحانه دست میزند و کشورهای " متحد " خویش را که نافرمانی میکنند اشغال میکند همایشون به چنک اسلاوائی حملهور شده و آن را با اشغال خود در آورده است . هیچکس تا باین حد فریب نخواهد خورد که گویا ریزش سوسیالیستی شوروی که باندازه دارو دسته ریزش سوسیالیستی و بلکه بیشتر از آن انحطاط یافته اند از لحاظ اخلاقی و سیاسی و ایدئولوژیک حق دارند که به مداخله مسلحانه بپردازند و فرمان خود را بر حزب کمونیست چنک اسلاوائی و جمهوری سوسیالیستی چنک اسلاوائی بار کنند و حال آنکه خود آنها مبتکران اصلی و مدافعان این انحطاط سرمایه داری اند و حال آنکه خود آنها حزب کمونیست خودشان را بصورت حزبی ریزش سوسیالیستی و اتحاد شوروی را بصورت افسانه ساخته بپراخته باور ندارد که گویا هیچکس باین افسانه ساخته بپراخته باور ندارد که گویا اتحاد شوروی بعلمت اینکه جمهوری سوسیالیستی چنک اسلاواکی در معرض حمله امپریالیست ها قرار داشت ناکزیر بود آن شوروی را بزور اسلحه اشغال کند . بقیة صفحه ۳

دوازدهمین پلنوم

حزب کمونیست چین

دوازدهمین پلنوم کیته مرکزی حزب کمونیست چین که در نیمه دوم ماه اکتبر تشکیل شد منادی پیروزی انقلاب بیوفرنکی پرولتاریائی در چین بود .

در عرض دو سال انقلاب فرهنگی کبیر رهبری شخص رفیق مائوتسه دون جریان یافت انهایی که مقاماتی را در حزب و دولت اشغال بودند و در امور سرمایه داری میروند با شرکت میلیون میلیون نواز توده ها ، اشغال و بر شارت شدند . تشکیل کیته های انقلابی در سراسر چین (باستثنای جزیریای تایوان) به پایان رسید . خون تازه در عروق حزب کمونیست چین جریان یافت . با بزرگترین تقسیم بعینا سوسیالیسم مبارزه بعمل آمد . حزب کمونیست چین پیش از پیش بتوده ها نزدیک شد و بیش از پیش نیرومند گردید . آرزوی امپریالیست ها که در شیب بودند تا یکی چین سرخ ما کنند اتحاد شوروی رنک عوض کند در خاک رفت . پلنوم دوازدهم تحت رهبری رفیق مائوتسه دون آخرین نبره هلاک رابرهواداران راه سرمایه داری وارد ساخت . در مضمنامه پلنوم چنین گفته میشود : " پلنوم کیته مرکزی انجاز انقلاب خود را در برابر بنیادیات ضد انقلابی لیوشائوچی ابراز داشت و با شعار " آرا " تصمیم گرفت که وی را برای همیشه از حزب برکنار سازد و از تمام مشاغل حواد در داخل و حواد در خارج حزب منقل کند و اووهد . ستانن را برابری حیانت هائی که نسبت به حزب و کشور ترکبند هاند بمکافات برساند " . همچنین طعمنامه میگوید : " اشغال لیوشائوچی پیروزی بزرگ اندیشه مائوتسه دون و انقلاب کبیر فرهنگی بشمار میآید . پلنوم همچنین تصمیم گرفت که ککره حزب را در تاریخ معین دعوت کند .

اعلامه پلنوم حاکی است که رفیق مائوتسه دون نطقی تاریخی در پلنوم ایراد کرده است . ماد شماره های آینده توفان بار دیگر در باره این منوم سخن خواهیم گفت .

رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده های است

سازمان انقلابی بقیه‌ها؟ مطابق این اعتراضات سازمان انقلابی عقیده داشتند در واقع منتظر بوده است که "نطفه های مبارزه پارتیزانی" - معلوم نیست بدست کسی و برهبری کی - بوجود آید، دهقانان بوسیله گروههای پارتیزانی که ترکیب و ماهیت سیاسی و رهبری آنها معلوم و روشن نیست - بسیج شوند و آنگاه ... و فقط آنگاه سازمانها مارکسیستی - لنینیستی در روستا - معلوم نیست چگونه - عدم بهره‌مندی - کی باید حزب طبقه کارگر بظهور برسد و ظهور او قدرت را - ظهور حضرت "فاصله خواهد داشت معلوم نیست اینست حلاصه توطئه‌های که در عرض چند سال بر علیه حزب طبقه کارگر ترتیب داده بودند!

اینکه میگویند روش خود را اصلاح کرده‌ایم! آیا راست است که اصلاح کرده‌اند؟ بهیچ وجه راست نیست. بار دیگر بعبارت صریح‌تر و در بابا نقل کردیم بر آنچه کنید. چنانکه عبارت نشان می‌دهد آنها برای "کار محلی طولانی" و سپس "شروع مبارزه مسلحانه" و بعد "سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی" را لازم می‌شمارند "حزب واحد مارکسیستی - لنینیستی" را، امروز هم معتقدند که لازمه "کار محلی طولانی" و "شروع مبارزه مسلحانه" "حزب طبقه کارگر نیست. نظریه امروزی آنها همان نظریه دیروز است با این تفاوت که امروز از همه جانب علامت "پرچم سرخ مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه‌دون" بر آن وصله زده‌اند.

بسیار عبرت‌انگیز است که نویسندگان "توده" حزب توده ایران را بارها بیاد ناسزا گرفته‌اند که چرا در سالهای ۴۰ و ۵۰ نتوانسته است از تجارب حزب کمونیست چین و اندیشه مائوتسه‌دون بهره‌برگردد و جنگ توده‌های را وسیله تحصیل قدرت قرار دهد، و باین علت حزب توده ایران را "رومیست" و "اپروتونیست" می‌شمارند. ولی خودشان در سالهای ۶۰ و ۷۰ در سالهایی که چین توده‌های در بحبوحه درخشش است و در سالهایی که اندیشه مائوتسه‌دون جهان را در زیر پر گرفته است در سالهایی که مارکسیسم - لنینیسم در اثر نبرد عظیم ایدئولوژیک در جنبش کمونیستی مرحله عالی‌تری گام نهاده است، در سالهای های انقلاب کبیرترهنکی بولناریائی، راه انقلاب چین را بدور افکنده، "راه کوبا" را برگزیده، مبارزه مسلحانه برخوردار ماجراجویانه داشته و نقش حزب پیشگراول را نقی می‌گردد و معذک ... و معذک یاه. سر مواز پیشوائی آنها - پسر مارکسیست - لنینیستها کم نشده است، گنه رومیست اند، نه اپروتونیستند و نه حرد میوزول!

اعتراض دیگر نویسندگان جزوه مربوط به "عزمزستی مسالمت‌آمیز" آنها با رویزیونیسیم است. در صفحه ۴ چنین می‌خوانیم: "سازمان ما ... نتوانست از همان آغاز بطور همه جانبه رویزیونیسیم معاصر و تظاهرات کوناگون و مشخص آن را در جنبش کارگری ایران باز شناسد و با آن فاطحانه بجایزه برحقیزد. سازمان ما پس از تشکیل تادمتی از انتشار ارکان خود دوری کرد و باین ترتیب از بلیمک و مبارزه با رویزیونیسیم عاقل ماند." ولی حتی این اعتراضات بسیار ناقص هم صادقانه نیست زیرا

که در صفحه دیگر عکس آنرا نوشته‌اند. این جملات را در صفحه ۵ بدوآندید: "سازمان ما ... شباهه تنها سازمان مارکسیستی نسیمیستی با رویزیونیسیم بطور علنی و نسبتا وسیع بمبارزه برآورد و از مارکسیسم - لنینیسم دفاع کرده است." این جمله تکرار صعه ۶ بدوآندید: "سازمان ما در مقیاس ایران سازمانی است نه با رویزیونیسیم معاصر و رویزیونیسیت های وطنی بمبارزه برخاست و از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه‌دون دفاع کرد." کرد آندندگان "سازمان انقلابی" بقول خودشان از آغاز تشکیل سازمان تا انتشار روزنامه توده یعنی تا فروردین ۱۳۴۵ از بلیمک و مبارزه با رویزیونیسیم عاقل مانده‌اند. سپس مجموعه ۲ شماره روزنامه انتشار داده‌اند که حالا مدعی‌اند دو شماره اول آن در اختیار سه تن از اعضا کشته مرکزی بوده است (صفحه ۱ جزوه). باقی میانه ۶ شماره - سپس مجددا مدت پیشال و نیم از انتشار روزنامه خود دوری کرده‌اند. بنا بر این تمام ادعای آنها در مورد مبارزه با رویزیونیسیم در عرض مدت چهارسال

منحصر میشود به ۶ شماره روزنامه. بگذریم از اینکه ۶ شماره مد کرد سرشار از انحرافات ضد مارکسیستی - لنینیستی است. ولی اگر هم آن ۶ شماره را حاوی مبارزه ضد رویزیونیسیتی بدانیم آیا اینست آن مبارزه "نسبتا وسیع" که آندندگان تودمازان لاف می‌زنند؟ آیا اینست آن "دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه‌دون" که ایپان سرمایه خویش ساخته‌اند؟ در عرض همین مدت "سازمان انقلابی" دو جزوه از نشریات "راه کوبا" منتشر ساخت. یکی بعنوان "جنگ پارتیزانی" و دیگری بعنوان "جنگ پارتیزانی، راهی برای کسب قدرت حاکم که نام آنها را در فهرست انتشارات خود معروفا بر بالای نام "مسائل لنینیسم" استالین قرار میداد. مضمون این دو جزوه همان است که امروز "سازمان انقلابی آن را" برخورد ماجراجویانه مبارزه مسلحانه "بزرگ کردن نقش قهرمانان" "کم سهاادان به نقش توده‌ها" "نهی نخر حزب پیشگراول" می‌شمارد. آیا انتشار این جزوات در جهت اشاعه مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه‌دون انجام میگردد؟ و انفعیات نشان میدهد که آنچه اصلی فعالیت "سازمان انقلابی" را ترسیم کرده و می‌کند دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه‌دون نیست. اینکه آندندگان روزنامه توده پشت سر هم بجای و بیجاده کلمات "مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه‌دون" را تکرار میکنند بظهور پوشاندن ماهیت امر است. جزوه اخیر نشان میدهد که آندندگان "سازمان انقلابی" بجای آنکه لبه تیز مبارزه خود را به انت ارتجاع و امپریالیسم و رویزیونیسیم متوجه سازند آن راه جانب مبارزان با ارتجاع و امپریالیسم و رویزیونیسیم بر گردانده، سته روزی آنها به سازمان مارکسیستی - لنینیستی - نوفان نوا روشن این امر است. نوفان مارکسیستی - لنینیستی - ستهاهدات صفحات روزنامه ارگانش در سراسر حیات خود لحظه‌ای از مبارزه با رژیم کودتا، امپریالیسم و رویزیونیسیم باز نایستاده است. متنی او در مورد چگونگی احیاء حزب طبقه کارگر ایران در عرصه کشور، عطفی ساختن انقلاب قهرآمیز بر آموزش مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه‌دون نرار دارد. انتقاد صحیح را می پذیرد و اتحاد گفیه مارکسیست ها - لنینیست های ایران را از جان و دل خواستار است. هر غربتی که بر سازمان نوفان وارد آید مورد تأیید و باعث تحسین رژیم محمد زانشاه و امپریالیست ها و رویزیونیسیت های شوروی و ایرانی خواهد بود ولی در عین حال موجب افتخار سرت زان خواهد گردید و ایپان امر بسود نهدت مارکسیستی - لنینیستی و بسود پیشرفت انقلاب ایران تمام خواهد شد. بدون تردید این عده جوانانی نه با شور و شوق، نه با "سازمان انقلابی" روی آورده و پس از چند سال تلاش و کوشش با حقایق تلخی که برخی از آنها را در فوق نشان دادیم روبرو شده‌اند شهادت اتحاد تصمیم قطعی خواهند داشت و سرانجام راه مبارزه انقلابی را در شمار سایر مارکسیست - لنینیست های ایران خواهند یافت.

۱) البتوجه است که سازمانی "انقلابی" باید تئولوژی، میراث‌پروری و ضد "عربی" را "چراغ راهنما" میخواند.

در تئوری و نسیم

این رساله رویزیونیسیم را رالحاء شعوری و سیاسی و علنی در صفحه جهان و ایران مورد تحلیل قرار میداد. هدف از غرض سازمان توانا منتظمند.

از آنجا که در بحث این رساله در اثبات تلاش فنی بر تئوری هائی رو دارد ما ستاز رفقا و دوستان کبیرای انتشار جزوه مذکور اعانه برداخته و یا نشریات ما را بطور گری آینه شده و معذک: رساله مذکور در ریافت نکرده‌اند خواهشمندیم بهما اطلاع دهند تا در ارسال آن اقدام کنیم. بهای این رساله معادل ۱۰ ریال میباشد و در پشت جلد آن انتخابها - ۱۰ ریال نوشته شده است.

سایر نشریات نوفان:

۱- سبک دعوتی در تفرقه و عمل
 ۲- آموزش خود را از نسیم
 ۳- اصول مضماتی فلسفه
 ۴- اعلامیه کمیستهای انقلابی شوروی

راه‌انگیز بقیه‌ها

"بدون چنین حزبی تصور سرتگون ساختن امپریالیسم و بدست آوردن دیکتاتوری بولناریا را هم نباید کرد" (استالین). رفیق مائوتسه‌دون همین اندیشه را با صراحت در یک جمله بیان میدارد: "برای انقلاب کردن بحزبی انقلابی احتیاج است." آتهائی که خود را نیازمند بحزب نمیدانند یا چپال انقلاب نندار و یا به بیوازه میروند - هستند جوانانی پاکه و انقلابی که از بیداد شاه و رژیم او بیجان آمدند و تحت تاثیر افکار نادرست و تحت تاثیر کسانی که از درک صحیح این اندیشه مائوتسه‌دون که قدرت بر سر سر نیزه است عاجزند اسلحه بدست میکنند و بمبارزه مسلح میروند سر انجام نیز جان خود را بر سر اینک میگذارند. این جوانان پر شور که از فرزندان قهرمان میهن ما و الهام بخش مبارزان راه آزادی ایرانند به این امر توجه نندار که در دست گرفتن تفنگ به تنهایی کافی نیست. تفنگ چنانچه در خدمت سیاست صحیح، مدافع منافع توده‌ها و شکی نبوده نباشد نمیتواند نقش انقلابی خویش را بازی کند. کار سرتگونی رژیم با دست یک گروهی چند گروه از خود گذشته و فداکار در نمی‌شود. کار سرتگونی رژیم کار توده‌است و پیروز کار توده‌ها دهقانی است. باید توده را برانگیخت. بمبارزه کشانید و در مبارزه رهبری کرد. انجام این وظایف بدون وجود حزب سیاسی که دیدی روشن از امر انقلاب داشته باشد و بر اساس واقعیت موجود شعارهای صحیحی به پیش بکشد، بدون حزب سیاسی نه در هر لحظه و بطور مداوم وضع مبارزه را همه جانبه بررسی شد و برای پیشرفت آن موعوق و بجای تصمیم گیرد میسر نیست. چنین حزبی جز حزب انقلابی طبقه کارگر نتواند بود.

این نخستین درس بزرگی است که انقلاب انگیر بما میآموزد و بهیچوجه نباید از اهمیت آن عاقل ماند.

۲ - طبقه کارگر برای آنکه به هدف خویش که ایجاد جامعه بدون طبقه و بدون استثمار است نائل گردد باید ابتدا قدرت سیاسی را بدست آورد. تنها با بدست آوردن قدرت سیاسی است که طبقه کارگر میتواند به آرمانهای خویش تحقق بخشد. لنین از همان نخستین سالهای فعالیت انقلابی خود خاطر نشان میسازد که عمده‌ترین مسئله هر انقلاب مسئله قدرت حکومتی است. "برای انجام انقلاب اجتماعی، بولناریا باید قدرت سیاسی را بدست آورد، قدرتی که او را حاکم بر اوضاع خواهد کرد و به او امکان خواهد داد به تمام موانعی را که بر سر راه آرمان والای اوست از میان بردارد" (لنین ۱۹۰۲).

رفیق مائوتسه‌دون همین اندیشه را اینگونه بیان میکند: "هدف گفیه مبارزات انقلابی در جهان عبارتست از تسخیر قدرت و تحمیل آن". آن حزب طبقه کارگر که از مبارزه بحاطر قدرت سیاسی صرفنظر شد علت وجودی خود را از دست میدهد. تسخیر قدرت در درجه اول و بطور عمده، تهره مبارزه سیاسی است. بیپهوه نیست که مبارزه سیاسی و سیاست باید پیوسته در مقام فرماندهی باشد و اشغال دیگر مبارزه در خدمت آن قرار گیرند.

رویزیونیستهای ایران با پیشتر شدن این اندیشه مطلقه در مرحله انقلاب بوزروا و موثراتیک رهبری انقلاب با بوزروازی ملی است و یا با تکیه بر روی "راه مسالمت‌آمیز" انقلاب، آنهم در شرایط دشواری ایران که هیچگونه امکان برای کوچترین فعالیت مسالمت‌آمیز نیست، در حقیقت اصرار بر تصرف قدرت دولتی چشم پوشیده از راه لنین، راه انقلاب اشیر روی گردانیده‌اند. طبقه کارگر ایران باید این حقیقت مارکسیستی - لنینیستی را هرگز از نظر فرو نگذارد و همراه با متحدین خود و در پیشاپیش آنان در رانتر قدرت سیاسی کام بر دارد.

۳ - انقلاب انگیر نشان داد که بدون اعمال قهر نمیتوان قدرت سیاسی و حکومت را به تصرف در آورد. لنین بدستی‌حالم نشان میسازد - و این آموزترین لنین برای ما ایرانی‌ها که سالهاست رنجبار گلوله هر روزی از بدران ما را بر حاکم هلاکتی بسیار گرانیهاست، آن طبقه اسیری که نتواند اسلحه بدست گیرد و بکار بردن آنرا بیاموزد، چنین طبقه اسیری فقط شایسته آنست که یا روی مانند بر دکان عمل شود.

راه اشیر راه قهرآمیز انقلاب است، شکل بقیه‌ها

پیروز باد مبارزه قهرآمیز خلق دلاور فلسطین

از سخنرانی «بیتا» ۱ روزهیونیست های شوروی قیلابند و مست کرده و با متحد حویتر آمریکا در تاجوزیر چک اسلواکی بمواعفت کامل رسیده بودند و فقط آمریکا بر خد این نجسازو شترین اهدامی نکرد بلکه آلمان عربی نیز با آنکه واحد های مهمی از ارتش شوروی تا مرزهای جنوبی او به پیش رفته بودند هیچگونه عده مت تشویبی نشان نداد .

روزیهیونیست های شوروی بجه دلیل به تجاوز فاحش برچک - اسلواکی «این متحد پیمان ورشو» مبادرت جستند ؟ عده روزیهیونیست معاصر عبارتست از براند احتس مارکسیم - لنینیسم «براند احتس رژیم های سوسیالیستی» مستقر ساختن سرمایه داری . عده روزیهیونیست های شوروی عبارت از این نیز هست که در اتحاد با آمریکا به سیادت جهانی ناآل آیند و از طریق مواجعه با آمریکا مناطق نفوذ را بین خود شان بمتابسه و قدرت بزرگ ادعایی تخسیم کنند و دنیا را در زیر سلطه حویتر در آورند .

بدیهی است که کشورهای تحت قدرت روزیهیونیستهای معاصر نه فقط مناطق نفوذ اتحاد شوروی بشمار میآیند بلکه عملاً اگر نه قانوناً، زیر سلطه مستقیم او هستند .

مرتدان حروشیفی که به مارکسیم لنینیسم «به خلق شوروی» به لنین و استالین و انقلاب جهانی خیانت ورزیده اند با آن مادیولای بزرگی که دارند و با آن کشوریونیم ملت بزرگ که در سوسی یوروند «می پذیرند که نه فقط میتوانند افکار روزیهیونیستی حویتر . نت نصارت بپذیرند بلکه خواهند توانست از راه عوام فریبی ، ستاز و بوسیله رول و در سراسر جهان را بفریبند . ولسی سوسی یت از اینها ناآل نخواهند شد . مبارزه سخت و دلیرانه و شور حزب تار آلبانی ، حزب کمونیست چین و گبه احزاب دیگر مارکسیستی لنینیستی انقلابی - جهان فیماصول تنزل ناپذیر تکیه دارند نقاباً ز چهره مرتدان حروشیفی برتشدیوشده ها تا آن را برهم زد هاست . روزیهیونیستهای شوروی از مشوق ساختن جریان های نسی ستی ای دکولویوت و اقتصاد در او تار روزیهیونیستی عاجزند .

آنها دستخوردن تحولات سیاسی و اجتماعی را باید بولوت «چند مژ روان می باید و همه جا در اتحاد شوروی و در سایر کشورها یکروزیهیونیستها قدرت را غصب کرده اند . بحران ها از اقتصاد و سیاسی روسیم گذشتند .

این نوع نفع طلبی اسلواکی که بحران را در آن روز کرده و برقرار استخلاق در افغانستان ، لهستان ، آلمان شرقی ، مارتان و بویژه در اتحاد شوروی مشاهده میشود .

بجز حرف آینه روزیهیونیستهای شوروی بمنظور ترمه تجاوز برچک - اسلواکی مدعی شده اند . در طرح زیاده امراطوری روزیهیونیستی شوروی بیشتر از اصل استفاده از «اب توطنه - مستقیم - نظام امپریالیستی» ازجاس .

پس وضع چنین است : هم آنگی ادعایی ارد و گاه روزیهیونیستی بهم ماست «سلطه روزیهیونیستهای شوروی بحظر افتاد هاست و چون سیموان آن را با عیارات و شمار همان عادی و پایاوند موعود معدکرت راه بگری جز توسل با سلطه باقی نمیماند . روزیهیونیسم اتحاد شوروی و روزیهیونیسم افکار و بمرحله بدیدی ، بمرحله یتاتوری نظامی قشاسن نام گذار شده است .

وضع در اتحاد شوروی باید آنچنان در نوا باشد - و این امر را رواج فتار «نور» سانسور و تعدید تأکید میشود - که روزیهیونیستهای بران سر - خوب انقد در آنجا در سایر کشورهای تحت رهبری روزیهیونیستی چاره د بیری جز فراری د یکتاتوری نظامی فاشیستی ندارند . در عین حال روزیهیونیستهای شوروی برای آنکه ارواح شورهای احیر سلطه کز «بنام " پیمان ورشو " و پیمان ه " در ف از کشورهای سوسیالیستی " بوز توسل جسته قوی شوروی و در آنجا ها کا شنه اند . در ارتش های که در کشورهای احیر سرگاردند یا باید ضعیف کامل در اروپا کردند و یا برنشارد و اهنه شد و کیشلیند هار سرشنا یجا یشان حروا هنر نشد .

اکنون در کشورهای اخیر قدرت سلطه نظامی سیاسی وایدنولولویک در دستار شمال یا کویوسکی نماینده در اردو ست نظام میان مسکواست . اواریا یحتی یها یختند یکمیرود و به برای اشعال کرد و دستور های لا مینه هد و اردو ست های روزیهیونیستی را که در حکومت اند موعوبنگه میدارد .

به مارکسیم - لنینیسم شان مید و برجم آنرا حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی و سایر احزاب انقد بی سلفند ننگد اشنه اند رهسپار خواهند شد .

ولی اقدامات تجاوزکارانه شوروی از مقاومت قشوروزواری بد روزیهیونیستکه می خواهد خود را از زیوع روزواری شوروی برهاند و د یکتاتوری فاشیستی حوشر را برقرار کند نیز فاد ریدلوشیون سیت . عده شیری از احزاب روزیهیونیستی یا مد امله شوروی در چک اسلواکی صریحاً مخالفت برحاسته اند . آنها کفین د و آنرا قرار دارند یا باید در کنار روزواری کشور خود شان جاس گیرند و یا در کنار اردو ست ه نظامی فاشیستی روزیهیونیستهای شوروی . فشا بروری آنها در ارتو حدم ترشدن و عمیق ترشدن تضاد های میان دو قدرت بزرگ امپریالیستی یعنی آمریکا و اتحاد شوروی شد ید توو کسرتد مترو خواهد کشت .

احتفام میان روزیهیونیستها باعث میشود که آنان در جده بودا بست که سرنوشته گفرانس مسکو (بی بی سی) شده برای ما منواری (را معینی میشد با ید یگر محورد پیدا کنند . حزب تار ملازنده نتها پیش شکست ضعیف با رایب جلسه را پیش بینی کرده است . شاید رهبران شوروی برای اینکه در " مذاکرات " بودایت نطنی ایجا کنند بی انطباق های روزیهیونیستها بسکون کشانند «مارشال یا کویوسکی و در صورت لزوم ید کسریانک (بانک ولتی شوروی) راهه بودایت اعزا پذیرند .

که ای عظیم سود رکتهار هائیکه بین در اردو ست هار و روزیهیونیست زامدار ، بین احزاب محتک روزیهیونیست و بین امپریالیستها روزیهیونیستها موجود است با هم بزبان آنها و بسود انقد ب کسرتد تر و عمیق تر خواهد شد . از اینجهت باید انقد بیون «مبارزه را در و جبهه سازمان دهند و هم بر ضد امپریالیسم و هم بر ضد روزیهیونیسم در شورهای روزیهیونیستی مقاومت در برابر اردو ست هار روزیهیونیست آنرا کرد ید ه است ورند می باید . این مقاومت در جت - اسلواکی به بوسیله روزواری چک اسلواکی «بوسیله در اردو ست روزیهیونیست د بچک - اسلواکی که در برابر اشعالات برای تسلیم رفته اند بگله بوسیله طبعه تار کورتود هار زحمتکش روس - میکرد .

مارکسیست - لنینیست هاب اصیل باید در نخستین صعو مقاومت دار کسند . آنها در چک اسلواکی یا شوروی بکرایم " مقاومت " در اردو ست هائی ازین در اردو ست ه بچک و یا نونغیشیوار از مقاومت واقعی و از مبارزه حلی ، مبارزه طبقه تار کویوسی باز نشنا مند و عرکرت آن در ورا باید یکر شنبه نکرد اندند . کمونیست های انقد بی باید حلی و طبقه کارگر را در مبارزه بر خد امپریالیست ها «شما با این جارچی و داخلی ، بر ضد روزیهیونیستهای شوروی «اشمالگران و بر ند در اردو ست هار روزیهیونیستی دست نشاند ه و کیشلینک های آنان سازمان دهند و رهبری کنند .

این مقاومت روز افزون در تمام کشورهای وجود دارد و وجود خواهد داشت . این مقاومت - اتحاد شوروی نیز برز کرده است . ما ایمان داریم که انقد بیون و بلشویکیهای شوروی برای خواهند خاست و متابه جانشینات فخرمانان انقد ب کیرا کیرا بر مرتدان روزیهیونیست بمبارزه دست خواهند زد و د یکتاتوری پرولتاریا را در اتحاد شوروی دوباره برقرار خواهند ساخت . اما انقد بیون کشورهای مختلف نباید بر این اساس که لنین و استالین ، این رهبران بزرگ انقلاب اکبر ، در اتحاد شوروی بد نیآمد ه اند در انتظار بمانند و بگویند که اول بلشو یکهای شوروی باید بیا بیا بزند . لنین و استالین فقط با اتحاد شوروی تعلق ندارند بلکه ب همه انقلابیون جهان متعلق اند «بلشویکیها» روس در موقع خود با این سبب که مارکس و انگلس آلمانی اند در انتظار انقد بیکر ن حزب کمونیست آلمان نمانند و با انقد انقلاب اکبر دست درند .

مارکسیست ها - لنینیست های اصیل شوروی در مبارزه با اردو ست ه مرتد روزیهیونیست شوروی باید از انقد ب کیرا کیرا و آموزش های مارکس و انگلس لنین و استالین الهام بگیرند . باید هرگونه ماحولهای دولت بزرگ و حزب " اول " را بد و رافکشد و بیورسی انقد ب کیرا کیرا پرولتاریائی جیویدر زند و آزان الهام بید برند . این انقد ب سیاسی که بوسیله رفیق مائوتسه در ون این مارکسیست - لنینیست کیرا رهبری میشود اقی سی با یانی در برابر آنها خواهد کسود که چکرت قدرت را از دست عاصبان روزیهیونیستها بستانند و د یکتاتوری پرولتاریا را در اتحاد شوروی دوباره برقرار سازند .

راه اکبر بقیه از ۲ اعمال قهر قیام صلح است در شهرها . اما تجربه انقد ب پس از اکبر نشان میدهد که این شکل یگانه شکل اعمال قهر نیست ، منطقی با شرایط نشونی کشور ما هم نیست . در ایران شکل اعمال قهر بجز جند تود های طولانی نمیتواند باشد . واداری برای اکبر مستلزم تدارک چنین جنگی است . تدارکی نه عجولانه و بدون نقشه ، بلکه با مطالعه دقیق و همه جانبه بر طبق اصول جنگ توده های روی گرداندن از راه قهر آمیز انقد ب و در شکل جنگ توده های آن روی گرداندن از راه انقد ب اشیر است .

۴ - لنین پیوسته میاموخت که مارکسیسم مجموعه آیات واحکا نیست که بتوان یکبار برای همیشه آموخت و در هر شرایطی آنرا بکار بست . مارکسیسم فقط راهنمای عمل است ، قوانین و احکا است که باید آنها را برحسب حالات مشخص و در هر زمان مشخص انطباق داد .

لنین با انطباق مارکسیسم بر شرایط درون امپریالیسم و بر شرایط خاص روسیه توانست انقد ب پرولتاریائی را در روسیه پیور کرد اند . مارکسیسم را رشد دهد و بمرحله عالی تر لنینیسم برساند . رفیق مائوتسه درون با پیوری از راه اشیر و انطباق حلق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط چین «حلق چین را در انقد ب رهبری کرد و مارکسیسم - لنینیسم را بمرحله نوری ارتقا داد . او بد رستی میآموزد که هر گونه صحتی در باره مارکسیسم بدون توجه به خصوصیات چین مارکسیسی خواهد بود مجرد و حالی از محنوق برای مارکسیست - لنینیست های ایران این شه دارای اهمیت حیاتی است پیوری انقد ب ایران وابسته با این است که آنها بتوانند مارکسیسم - لنینیسم را در شرایط متحرک ایران بنار بندند و وابسته به اینست که به مارکسیسم - لنینیسم وانه بیه مائوتسه درون شکل ملی دهند . پیوری و تعدیم و غلبه ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم درست در همین است . مارکسیست - لنینیست های ایران باید مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه درون را چنان بیا موزند که آنرا در شرایط متحرک جامعه ایران بنار بندند .

۵ - انقد ب اکبر پیوری مارکسیسم در مبارزه با روزیهیونیسم و ایورونیسم است . «بدون چنین مبارزه ای» بدون پیوری نامل و قبلی بر ایورونیسم در جنبش تار کورتو حنی عم از د یکتاتوری پرولتاریا نمیتواند پیمان آید . (لنین) .

برای پیوری در مبارزه انقد بی و بحاضر جلب توده ها و رهبری آنها در راه انقد ب ناگزیر باید روزیهیونیسم و ایورونیسم را در هم شکست . مارکسیست - لنینیست های ایران بدون مبارزه بی کیر و همه جانبه با ایورونیسم و روزیهیونیسم در میان ایران و جهان نخواهند توانست راه انقد ب ایران را بیامانند . امروز بر اثر مبارزه بی امان احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست و در راس آنها حزب کمونیست چین و حزب تار آلبانی بر روزیهیونیسم و ایورونیسم و از آنجهل بر اتحاد شوروی در روزیهیونیسم و انقد ب غریبات کاری وارد آمده است . حزب کمونیست اتحاد شوروی و احزاب روزیهیونیست د یکتاتاریا و حیثیت خود را از دست داده و با بحران فلاکت باری دست بگریانند . البته در اردو ست ه روزیهیونیست شوروی هنوز هم خود را وارث و جانشین لنین میجو ولی دعوی آنها همه جا و نزد همه لس با بوز جند روسیو میکردن حروشیف برزنف «کاسکین در مقام لنین و استالین ! آیامیتوان این دعوی را بسحره نکوت ؟

معدلت علی رزم مایابی هائی که در مبارزه با روزیهیونیسم و ایورونیسم نصیب مارکسیسم - لنینیسم کرد ید ه باید هنوز مبارزه را همچنان ادامه داد . مبارزه با امپریالیسم و از تراج از مبارزه با روزیهیونیسم جدا نیست و نمیتواند باشد . اینست آنچه که راه اکبر میآموزد .

این درسهای انقد ب اکبر برای مارکسیست - لنینیست های ایران که در آستانه مرحله نوینی از مبارزه قرار گرفته اند آموزنده و کز انبهاست . بکوشیم تا با انطباق راه اکبر بر برانیک انقد بی ایران ما نیز سهم خود را در تاریخ جنبش کمونیستی جهانی ایفا کنیم .

عنوان جدید مکتوبات . X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D'ADDA/ITALY حساب بانکی : X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO /ITALY

آثار نظامی مائوتسه دون

" متحبات نظامی " رفیق مائوتسه درون در ریت جلد منتشر شد . این کتبیینه کرانیهای مارکسیسم - لنینیسم عده ب بزرگی برای اعتق بیین ایران است . آن را از سازمان " توان " بخواهید .

سازمان انقلابی

را همنای آن (۱) ایدئولوژی غیر پرلترتی و ضد انقلابی بود . . . نقش تعیین کننده را موضعه طبقاتی بازی میکند . . . سازمان ما را بطور عمده روشنفکران تشکیل میدهند و این زمینه بسیار مساعدی برای رشد اپورتونیسم و روزیونیسم میباشد . . . ما باید در رنج از روشنفکران چپ بروشنفکران پرلترتی تبدیل نمیشویم . . . برای اجرای حطشی توده‌های باید در میان توده‌های مردم بود . . . سازمان ما در میان توده‌های مردم نیست . . . در اینجا صحبت از افراد معینی نیست، صحبت از " ما " است صحبت از مجموعه سازمان و افراد آن است . اگر این اختراقات صمیمانه است چگونه میتوان سازمانی را که افرادش مجبوراً اپورتونیستی کهن سال تعدیه گردانند، زمینه بسیار مساعدی برای رشد اپورتونیسم و روزیونیسم دارند و روشن نگر چپ **مفکته** روشنفکر پرلترتی و جدا از توده‌های مردم مانده خط مشی توده‌های ندارند . . . سازمانی مارکسیستی - لنینیستی نامید؟

حقیقت اینست که این اختراقات صمیمانه نیست، برای نمایش است از روی ریاست‌های فریب این و آن است . در همین قطعنامه بعد از آنکه نوشته‌اند: " برای اجرای خط مشی توده‌های باید در میان توده‌های مردم بود " و اضافه گردانند که " سازمان ما در میان توده‌های مردم نیست " و باین طریق اختراقت کردند که سازمانشان ضرورتاً خط مشی توده‌های ندارد در دو صحنه بعد ناکهان عنان لاف و کزاف را از دست داده نوشته‌اند: " کسانی که . . . با توده‌ها می‌نویسند، با آنها زندگی نکردند، مبارزه را از پشت میز در خارج انجام دادند مسلم است که خط مشی توده ای ما را نمی‌فهمند! " همان کسانی که در دو صحنه قبل خود را روشنفکران چپ (و نه روشنفکران پرلترتی) و جدا از توده‌های مردم و فاقد خط مشی می‌شمرند ناکهان به صورت قهرمانان خدمت بحلق در می آیند که با توده‌ها بودند. با آنها زندگی کردند، خط مشی توده‌های دارند و کیست که کمالشان جرات تردید داشته باشد!

این تناقضات نشانه چیست؟ نشانه عدم صداقت است . جزوه‌ای که اینک بعنوان شماره ۱۱ روزنامه توده منتشر شده نیز هدف دیگری جزماً لسه ندارد. در این جزوه اختراقات نازهای مطرح است، اختراقاتی که مضمون آنها از دیده هیچ صاحب نظری پوشیده نبود ولی نخستین بار است که گردانندگان " سازمان انقلابی " بر زبان آوردند. امروز پس از گذشت چهار سال، اختراقی میشود که " سازمان انقلابی " در تمام دوران وجود خود به لزوم حزب طبقه کارگر برای انقلاب ایران، به آموزش مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون در زمینه انقلاب در کشورهای نظیر ایران اعتقاد نداشته و براهی میرفته است. غیر مارکسیست بویژه آمریکای لاتین تبلیغ میکند . در صحنه و جزوه چنین میخوانیم: " قرار دادن آن (یعنی لاکسوبا) در مقابل راه انقلاب چین و ویتنام . . . برخورد ماجراجویانه با بزرگ سلاحخانه بزرگ کردن نقش قهرمانان و کم بها دادن به نقش توده‌ها و نفی نقش حزب پیشقراول . . . این گرایش‌ها در سازمان ما هم تأثیر خود را گذاشته بود " ولی در اینجا فقط گوشه از حقیقت را بروز داده‌اند تا بتوانند تمام حقیقت را بیوشانند. حقیقت اینست که " گرایش‌های " مذکور نه فقط در سازمان تأثیر داشت بلکه مشی اصلی سازمان را تشکیل میداد . در صحنه و جزوه گوشه بزرگی از حقیقت بروز داده میشود . در آنجا چنین میخوانیم: " سازمان مادرك عمیقاً از حزب پرولناریائی نشأت و ارتباط آن را با مبارزه مسلحانه بدرستی درک نمیکرد . مادر مورد ساختمان حزب و مبارزه مسلحانه دارای یک دید التقاطی بودیم . ما ایجاد سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی را در روستا نه قبل از شروع مبارزه مسلحانه توسط کار محقق طولانی، بلکه در درون " نطفه های مبارزه پارتیزانی " میدیدیم. هیچ دهقانان را نه توسط کار سیاسی سازمان مارکسیستی - لنینیستی بلکه کار گروهی پارتیزانی توسط عملیات مسلحانه می‌پیدا شتیم " . اینجا دیگر صحبت از مجموعه سازمان است . " سازمان انقلابی " در مورد ساختمان حزب و مبارزه مسلحانه " دید التقاطی " داشته است . آیا دید التقاطی همان دید روزیونیستی نیست؟ آیا دید روزیونیستی در مورد حزب طبقه کارگر همان دید نفی حزب طبقه کارگر نیست؟ بقیه صحنه ۲

سازمان و نیم تعطیل دوباره بصورت جزوه، منتشر شده است. در مقدمه جزوه گفته میشود که علت تعطیل ایسکالر و نیمه " مبارزه درونی حاد " سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور بوده و اینک این سازمان " بی‌ایز مهترین بحران‌های رشد خود را پشت سر گذاشته و مانع اصلاح اشتباهات " خود مصمم ترو فاعط تر بکار برداخته است .

ولی تجربه چهار ساله نشان داده است که صحبت از مبارزه درونی و " تصحیح اشتباهات " در نزد گردانندگان این سازمان چیز دیگری جز بازی با کلمات نیست . اینان اصل مارکسیستی - لنینیستی انتقاد از خود را بصورت وسیله‌ای برای تسکین کانداز میدان بدر کردن منتقدان صدیق در آورده‌اند . اینان مدعی اند که سازمانشان یگانه سازمان مارکسیستی - لنینیستی است و " اکنون از نسرقیفی بد بهای رسیده است که اعتقاد تمام مارکسیست - لنینیست ها و نیروهای انقلابی خارج و داخل کشور را بسوی خود جلب کرده است " (روزنامه توده شماره ۸) ولی در هر برخورد مشخص سازمانشان با مسائل مختلف اجتماعی ، ناچار اختراقی میکنند که کترین نشئه مارکسیستی - لنینیستی در آن برخورد وجود نداشته است . با این تفاوت که ادعا از توده‌ها است و این اختراقی از نون زبان .

بطوری که معلوم است جلسه‌ای که در زمستان ۱۹۶۶ تشکیل شد و بعد ها نام کنفرانس اول بخود گرفت جلسه مؤسسان " سازمان انقلابی " است یعنی پایه گذار سازمانی است فیصله گردانندگان از " اعتقاد تمام مارکسیست - لنینیست ها و نیروهای انقلابی خارج و داخل کشور " بر خود برداشته است . ولی خود سازمان اختراقی میکند که: " شرکت شدگان در این کنفرانس دارای وحدت ایدئولوژیکی نبودند و تصور صحیح و روشنی درباره انقلاب و راه مسلحانه آن نداشتند " . آخر کسانی که وحدت ایدئولوژیکی نداشته و فاقد تصور صحیح و روشنی از انقلاب و راه مسلحانه آن بودند چگونه توانستند سازمانی مارکسیستی - لنینیستی بنیان نهند؟ آیا سازمان مارکسیستی - لنینیستی میتواند بدون وحدت ایدئولوژیکی مارکسیستی - لنینیستی بنیان داری شود؟

دومین کنفرانس در پائیز ۱۹۶۶ تشکیل شد که بیست و یک نفر در گزارش کنفرانس فوق العاده دوباره آن گفته میشود: " ما در آن زمان عینک نزد بینینی خود را بر چشم گذاشته بودیم . . . دچار پراکندگی بودیم و هیچ وجه مسئله را از دید استراتژیکی و از دید طولانی بررسی نمیکردیم " و اینک نویسنده جزوه بر آنند که: " اصولاً کنفرانس دوم به " مصالحه ایدئولوژیکی " دست زده بوده است (جزوه ص ۴) . مصالحه ایدئولوژیکی معنای دیگری جز این ندارد که ایدئولوژی پرلترتی (مارکسیستی - لنینیستی) با ایدئولوژی غیر پرلترتی (بورژوازی) همزیستی میآزمیخته داشته و بعبارت دیگر ایدئولوژی پرلترتی با ایدئولوژی بورژوازی سازش داده شده است . آیا از این مقدمه نتیجه نمیشود که کنفرانس دوم کنفرانس روزیونیستی بوده و آنچه وجود آورده نیز روزیونیستی است؟

در جزوه ادعا میشود که " مر یک ارزیابی عمومی میتوان گفت که خط اساسی مبارزه سازمان ما درست بوده است (ص ۶) . " خط اساسی " خط اساسی " ؟ برهه روشن است که خط اساسی " سازمان انقلابی " همان مصوبات کنفرانس دوم میباشد . تا امروز چنانکه معلوم است هیچ کنفرانس عادی دیگری از طرف این سازمان تشکیل نشده و مصوبات کنفرانس مذکور پیوسته مبنای عمل بوده و هنوز بصورت خود باقی است . پس باز می‌رسیم: " کدام خط اساسی؟ همان خط اساسی که کنفرانس دوم تصویب کرد؟ همان خط اساسی که بقول شما مولود مصالحه ایدئولوژیکی بود؟ آیا امروز نیز همان مولود مصالحه ایدئولوژیکی را عمل تعمیم میدهند؟

کنفرانس فوق العاده در تابستان ۱۹۶۶ تشکیل شد . در گزارش کنفرانس چنین میخوانیم: " ما در حزبی تربیت شده‌ایم که اپورتونیسم کهنسال در تمام رگ و ریشه آن نفوذ کرده بود . ما در حزبی تربیت شده‌ایم که رهبری آن در مجموع خط مشی صحیحی نداشته است . . . پس از تلاشی حزب توده نیز در شرایط وابسته به " کمیته مرکزی " در خارج بوده‌ایم که چراغ

پیاده آذر رازنده تکه‌هایم

بازنده سال پیش در روز ۱۷ آذر مبارزان محمد رضا شاه انشگاه تهران که یکی از سنگرهای نهضت دموکراتیک ایران بود یورش کردند، عد مزایای اردانشجویان دلیر را زنده و زخمی کردند و محبوس کردند و سه دانشجوی مبارزینیک را بر جراح افکندند . آژان روز تاکنون نام شریعت رضوی، قندچی و وزرندنی بصورت پرچم مبارزه دانشگاه در آمده است .

افتخار پروران آنها .

در دو بهمه دانشجویانیکه در مبارزه برخدا استیداد و استعمار از شجاعت و جان بازی شریعت رضوی، قندچی و وزرندنی الهام میگرفتند تاریخچه مبارزان دانشجویان ایران گواه روشنی است بر این واقعیت که دانشجویان بخشی از نیروهای انقلابی خلقاند . شعارهای همگانی خلق ایران متعلق بآنها نیز هست . قدرت آنها در پیوند با توده‌هاست . روشنی آینده آنها در طوع حکومت دموکراتیک توده‌های است .

ولطیفه مارکسیست ها - لنینیست هاست که مواضع انور فیکانه و صبورانه بکار در میان دانشجویان ببردازند ، سطح آگاهی آنان را ارتقا دهند ، آنها را از فزید تحلیلات و روشنفکرانه برهانند ، آنها را با اندیشه های علمی انقلاب ایران مجهز گردانند ، بشنگل آنها یاری رسانند و در مبارزات آنها یاریشندم گردند .

مارکسیست ها - لنینیست های ایران مرکزیت باید این آموزش رفیق مائوتسه دون را از یاد غمورنگد ارند که میگوید:

" جنبش دانشجویان بخشی از مجموعه نهضت توده ای است ، اختلا، جنبش دانشجویان ناگزیر با اختلا، نهضت توده‌های بطور کلی مندر خواهد شد " .

در باره جلب دانش جوویان به

کنفدراسیون

یکی از رفقای سازمانی در مهاله ای تحت عنوان " چگونه و از چه راههایی میتوان توده دانشجویان را بفعالیت اجتماعی و شرکت در کنفدراسیون جلب کرد " از جمله چنین می‌نویسد:

" . . . در برخورد با دانشجویان تازه وارد باید روشهای مختلف بر حسب طرز تفکر و پرورش آنها در پیش گرفت . باید با آنها دوست شد ، رفیق شد ؛ گفتگوان کرد ، بدرد دلشان رسید ، با آنها در امور دسی یاری رسانید و در ضمن مسایل زندگی دانشجویی را در سطحی که برای آنها قابل درک و با معلومات اجتماعی و سیاسی آنها متناسب باشد برایشان مطرح ساخت .

دانشجوی تازه واردی که هنوز بمسایل دانشجویی و مبارزات انجمن دانشجویان آشنائیت نسجه بحاطر دوستان و رفقاییش با نجهنم قدم میگردد و در این صورت برخورد دوستان انجمن با یکدیگر میتواند بر او تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد . اگر این دانشجویی بحث و انتقاد های علمی و منطقی بجهاد له و معاً - لطف های حشن و دشمنانه برخورد ، اگر بشنود که پشت سر افراد مختلف بعلت عقاید سیاسی و یا وابستگیهای اجتماعی آنها به عیب و زشت قوی یرداخته میشود ، اگر افراد ترسو و بزدلی بر وجود که پیوسته قدرت سازمان امنیت را برح میکنند و بخوابین مختلف از کار در انجمن دانشجویان طفره میروند بدیهی است که از سازمان دانشجویان دلزده میشود و جلب دوباره او بسازمان مذکور دشوار خواهد شد . . .

باید دست دانشجویان تازه وارد را که بکنفدراسیون میببوندند در کارهای انجمن دانشجویان بازگذاشت . باید با آنها امکان فعالیت داد ، اگر اشتباهی میکنند باید بتذکر دوستانه و مقصد اصلاح پرداخت . در عین حال چون امکان این هست گفتگوان حرابتکار سازمان دانشجویان راه یابند باید با تمام نیرو با آنها مبارزه کرد . . . این کارها زحمت میخواند ، بشنگار میخواند ، پشتکار و با غرر دسی که شما و من با آن منتهد هستیم . . . "

دست جلاد از جان جزئی ظنی بقیه سورگمی؟ احسن؟ چوپان زاده کلانتری کیانی کوناه!